

مقالات اسماعیلی

فراه دفتری

**S. M. Stern. *Studies in Early Ismā'īlism*,
Leiden, E. J. Brill, 1983, XXII + 340 p.**

ساموئل میکولوس استرن، که در نوامبر ۱۹۲۰ در مجارستان متولد شد و در اکتبر ۱۹۶۹ ناپهنگام در شیباب زندگی علمی خود در انگلستان درگذشت، از برجسته‌ترین اسلام‌شناسان غربی معاصر بود. وی که به زبان عربی و چندین زبان اروپایی تسلط کامل داشت، دکترای خود را در سال ۱۹۵۱ از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد و سپس در همانجا بقیه عمر را به تحقیق و تدریس گذراند. استرن نتایج مطالعات ارزشمند خود را، که اغلب حاکی از کشفیات مهم است، در بیش از ۲۵۰ اثر (شامل حدود ۸۰ مقاله در دایرة المعارف‌های مختلف بین‌المللی) درباره سکه‌ها و اسناد و سجلات اسلامی، ادبیات عربی و شعر در اندلس اسلامی، فلسفه یونانی و نقش آن در تفکر اسلامی و بالآخره فرقه اسماعیلی در دسترس اهل علم قرار داده است.^۱

پروفسور استرن از پیشگامان تحقیقات جدید اسماعیلی بود و علاقه خاص خود را به این رشته همواره تا آخر عمر حفظ کرد. وی تألیفات و نظریات مهمی درباره تاریخ و اصول عقاید اسماعیلیان نخستین و اسماعیلیان فاطمی، و به‌طور کلی تفکر و فلسفه اسماعیلی در ارتباط با مکاتب فلسفی غیراسلامی، دارد که به‌طور گسترده مورد قبول و استفاده متخصصان واقع گردیده است. وی به‌خصوص به تحقیق در وقایع صدر تاریخ این فرقه که همیشه مبهم بوده است، علاقه داشت و از سالها پیش از مرگش نوید کتابی را درباره اسماعیلیان نخستین می‌داد که متأسفانه هیچ‌وقت منتشر نشد. در سالهای اخیر، فقط چند فصل نیمه‌تمام از این کتاب در میان اوراق و مکتوبات چاپ نشده وی یافت شده که دو فقره از آنها در کتاب حاضر گنجانده شده است. تحقیقات

اسماعیلی استرن همیشه مبتنی بر منابع و متون معتبر اصلی است و با روابط نزدیکی که وی در سالهای آخر عمر با رؤسای اسماعیلیان مستعلوی هند (یعنی بهره‌ها) داشته، توانست به مجموعه‌های خصوصی نسخ خطی اسماعیلی در هند دسترسی پیدا کند که برای هر محققی در این رشته فیض بزرگی محسوب می‌شود. مع الأسف، مرگ فرصت نداد تا استرن بتواند از این گنجینه‌های پرارزش بهره‌برداری کند. در هر صورت آنچه از این دانشمند فقید بجا مانده کافی است که او را در زمره متخصصان طراز اول مطالعات جدید اسماعیلی قرار دهد.

این کتاب که به همت گروهی از همکاران نزدیک استرن تهیه شده، در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول در هفت فصل (مقاله) شامل مطالبی است که در میان اوراق استرن یافت شده و اکنون برای اولین بار به طبع می‌رسد. در اولین مقاله، که بخشی از کتاب ناتمام استرن است، قدیمی‌ترین نظریه‌های جهان‌شناسی اسماعیلیان، که مبتنی بر اساطیر و رموز اعداد و حروف بوده، توصیف شده است. در این مقاله (ص ۳-۲۹)، استرن نکات اصلی و اصول فکری جهان‌شناسی اسماعیلیان نخستین را براساس متون پراکنده‌ای به قلم مؤلفان زیدی قرون وسطی در یمن و همچنین یک رساله کوچک اسماعیلی تألیف داعی ابوعیسی مرشد (نیمه قرن چهارم / دهم)، برای اولین بار بازسازی و بررسی کرده است. رساله داعی مرشد را خود استرن کشف کرده و متن کامل عربی آن در این کتاب آمده است (ص ۷-۱۶). با توجه به اینکه از اسماعیلیان نخستین متون زیادی بجا نمانده است، بررسیهای استرن در مورد جهان‌شناسی ایشان، که بعداً با تحقیقات پروفسور هالم تکمیل شد^۲، حائز اهمیت خاص است. لازم به توضیح است که در اوایل قرن چهارم / دهم جهان‌شناسی اولیه اسماعیلیه جای خود را به جهان‌شناسی دیگری از نوع نوافلاطونی داد که ابتدا توسط داعی محمدبن احمد نسفی (مقتول در ۳۳۲ / ۹۴۲) تدوین شد و در دسترس اسماعیلیان خراسان و ماوراءالنهر قرار گرفت، و پس از آنکه توسط متفکران دیگر و به‌خصوص داعی ابویعقوب سجستانی (متوفی بعد از ۳۶۱ / ۹۷۱) بسط یافت، در زمان المعزالدین الله (۳۴۱-۳۶۵ / ۹۵۳-۹۷۵)، چهارمین خلیفه فاطمی و چهاردهمین امام اسماعیلی، رسماً مورد قبول دعوت اسماعیلی فاطمی قرار گرفت.

در مقاله دوم (ص ۳۰-۴۶)، استرن نظریات ابوحاتم رازی (متوفی ۳۲۲ / ۹۳۴) را درباره مذهب زرتشتی (مجوس)، براساس نسخه خطی کتاب اصلاح وی، مورد بررسی قرار می‌دهد. ابوحاتم، پنجمین داعی ری، از برجسته‌ترین داعیان و متفکران اسماعیلی بود که مانند نسفی نوعی فلسفه نوافلاطونی

S. M. STERN
STUDIES IN
EARLY ISMAÏLISM



از کتاب ناتمام استرن در این مجموعه است، مطالب کتاب فرق الشیعۀ نو بختی، که در نیمه دوم قرن سوم / نهم تألیف شده و از مهمترین منابع درباره ظهور اسماعیلیه است، راجع به آغاز فرقه اسماعیلیه که ابتدا مبارکیه و قرامطه خوانده می شده، ترجمه و تفسیر شده است.

در مقاله چهارم (ص ۵۶-۸۳) که از مهمترین فصول کتاب است، استرن يك متن قدیمی ضد اسماعیلی را که اصل آن مفقود شده، بر اساس منابع مختلف بازسازی می کند. منشأ متن مذکور اولین رساله جامعی است که در رد اسماعیلیه تدوین یافته بوده و مؤلف آن شخصی بوده به نام ابو عبدالله محمد بن علی بن رزام که در نیمه اول قرن چهارم / دهم در کوفه می زیسته است. وی در رساله ای موسوم به *النقض علی الباطنیة* اولین بار انتساب خلفای فاطمی به خاندان علوی را مردود شناخته و دعوت مرحله ای اسماعیلیان و ترویج اصول عقاید آنها را توطئه ای برای محو کردن تعالیم قرآن مجید و نسخ شریعت مقدس اسلام معرفی کرده است. وی در واقع دعوت اسماعیلی را برنامه ای مدون برای از میان بردن اسلام می دانسته است. کتاب ابن رزام بعداً مورد استفاده خاص یکی دیگر از دشمنان سرسخت اسماعیلیه قرار گرفت که به شریف اخو محسن (متوفی ۳۷۵/۹۸۵) شهرت پیدا کرده است. وی نیز، که خود را از اعیان محمد بن اسماعیل بن جعفر می داند، در کتاب مستقلی موسوم به *السیاسة و البلاغ-الاکبر*، بر اساس خط فکری ابن رزام و تخیلات خودش به جوانب مختلف نهضت اسماعیلی حمله می کند. اصل کتاب اخو محسن نیز مفقود شده، ولی قسمتهایی از آن در آثار مؤلفان بعدی، به خصوص نویری و ابن دواداری و مقریزی، نقل شده است. روایت مغرضانه ابن رزام- اخو محسن، که شامل معدودی نکات صحیح راجع به عقاید اسماعیلیان نخستین نیز بوده، قرن ها به عنوان يك مأخذ اصلی مورد استفاده مؤلفانی بوده که عمدتاً به متون اصیل اسماعیلی دسترسی نداشته اند. استرن متن عربی این روایت را بر اساس آنچه از اخو محسن نقل شده و همچنین نوشته های عبدالقادر بن طاهر بغدادی (متوفی ۴۲۹/۱۰۳۷) و دو مؤلف زیدی قرون بعدی، ابوسعید بیهقی و محمد بن حسن دیلمی، بازسازی کرده و آن را به انگلیسی هم ترجمه کرده است.

در دو مقاله بعدی بخش اول (ص ۸۴-۱۴۵)، استرن پس از توضیحاتی راجع به تبلیغات فاطمیان در میان یهودیان، مطالب کتاب *عیون الاخبار* را درباره خلافت عبیدالله المهدي (۲۹۷-۳۲۲ / ۹۱۰-۹۳۴)، سرسلسله فاطمیان و یازدهمین امام اسماعیلی، نقل و تحلیل می کند. *عیون الاخبار* تألیف ادریس عمادالدین (متوفی ۸۷۲/۱۴۶۸)، نوزدهمین داعی یمنی شاخه مستعلوی فرقه، جامعترین اثر تاریخی اسماعیلیان است که در

رایج در دنیای اسلام را پذیرفت و خود نقشی مهم در ترکیب تفکر اسماعیلی و حکمت یونانی ایفا کرد. همچنین در اثر کوششهای وی، دعوت اسماعیلی از ری به مناطق دیگری مانند آذربایجان و طبرستان و گرگان گسترش پیدا کرد. ابوحاتم رازی، مانند سایر اسماعیلیان نخستین، به يك بینش ادواری در زمینه تاریخ مقدس بشریت معتقد بود. بر اساس این نظریه تاریخ بشریت از هفت دور تشکیل می شود و هر دور به وسیله يك «ناطق» یا پیامبر شارع آغاز می گردد که عبارتند از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (ص) و بالأخره محمد بن اسماعیل، هفتمین و آخرین امام اسماعیلیان نخستین که پیروانش وی را هفتمین ناطق و «قائم قیامت» می دانستند و در انتظار ظهور او بودند. بدیهی است که برای اسماعیلیان نخستین مشکل بود که بتوانند در این قالب فکری به ادیان دیگر جای شایسته ای اختصاص دهند. ابوحاتم نیز، پس از طرح مسئله، سعی می کند که مذهب زرتشتی و بعضی دیگر از ادیان ایران باستان را در این قالب محدود «هفت دوره ای» بگنجانند. وی درباره پیامبران این ادیان به نتایج عجیبی می رسد و آنها را عمدتاً کسانی معرفی می کند که از تعالیم نطقاء، که پیامبران شارع و واقعی بوده اند، انحراف پیدا کرده اند. طبق نظر ابوحاتم، مذهب زرتشت مربوط به دور حضرت موسی بوده، در صورتی که داعی نسفی پیدایش این دین را در عصر سوم تاریخ یعنی دور حضرت ابراهیم می داند. استرن پاره ای از این نوع اختلافات عقیدتی بین ابوحاتم و نسفی را نیز مورد تحلیل قرار می دهد.

در مقاله سوم (ص ۴۷-۵۵) که دومین و آخرین قسمت منقول

رسائل را برای محققان غربی روشن کرده بود^۴، و بررسیهای بعدی مسجل کرد که این رسائل در اواسط قرن چهارم / دهم به دست افراد دانشمندی که در بصره مقیم بودند، تنظیم شده است؛ ولی هویت مؤلفان همواره مورد بحث بوده است. استرن هویت بعضی از افراد گروه را مشخص کرده و به طور کلی معتقد است که نویسندگان اسماعیلی مورد بحث از خلفای فاطمی پیروی نمی کرده اند بلکه مانند اسماعیلیان نخستین و قرمطیان بحرین همچنان در انتظار ظهور محمد بن اسماعیل بوده اند. در هر صورت، طبق نظریه استرن که هنوز مورد قبول تمام صاحب نظران نیست، منظور این مؤلفان بدعتگذار اسماعیلی از تدوین رسائل *اخوان الصفاء*، که شامل تمامی علوم آن زمان و اندیشه‌های فلسفی است، هماهنگ کردن افکار و عقاید گروه‌های اسماعیلی غیر فاطمی (از جمله قرمطیان بحرین) بر اساس پایه‌های مشترک بوده است.

در مقاله بعدی (ص ۱۷۷-۱۸۸)، استرن آغاز دعوت اسماعیلی در سند و نکاتی از روابط اسماعیلیان آن منطقه از شبه جزیره هند را با فاطمیان در قرن چهارم / دهم توضیح می‌دهد. در مقاله سوم (ص ۱۸۹-۲۳۳)، که احتمالاً مهمترین مقاله اسماعیلی استرن است و مؤلف خلاصه‌ای از آن را نیز در سال ۱۳۴۰ به صورت سخنرانی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ایراد کرده^۵، آغاز دعوت اسماعیلی در شمال غربی ایران (جبال) و خراسان و ماوراء النهر توصیف شده است. این مقاله، که هنوز بهترین مأخذ در این موضوع است، بر اساس منابع مختلف اصلی مانند فهرست ابن ندیم، *الفرق بین الفرق* بغدادی، *اتعاظ الحنفای* مقریزی، قسمت اسماعیلیان در *جامع التواریخ* رشیدالدین فضل الله و به خصوص سیاست نامه نظام الملك تنظیم شده و تاریخ پیوسته‌ای از نخستین دهه‌های فعالیت داعیان اسماعیلی در آن مناطق ارائه می‌دهد. استرن نشان می‌دهد که دعوت اسماعیلی اندکی پس از سال ۲۶۱ / ۸۷۴، به وسیله داعیانی که در ری مستقر بودند، کار خود را آغاز کرد و سپس دامنه‌اش تا به خراسان و آسیای مرکزی گسترش یافت. اولین داعی ری شخصی به نام خلف الحلاج بود که دعوت را در ناحیه پشاپویه با وعده ظهور قریب الوقوع محمد بن اسماعیل شروع کرد. به همین علت، اسماعیلیان ری تا مدت‌ها به خلفیه معروف بوده اند. ابو حاتم رازی، پنجمین داعی ری، ضمن گسترش دعوت به مناطق دیگر، موفق شد برخی از حکمرانان محلی مانند حاکم ری امیر احمد بن علی و سفار بن شیرویه دیلمی را نیز به کیش اسماعیلی درآورد. در خراسان، دعوت رسماً در اواخر قرن سوم هجری توسط شخصی به نام ابو عبدالله خادم آغاز شد و سپس داعی ابوسعید شعرانی، که از حدود سال ۳۰۷ / ۹۱۹ به ریاست دعوت آن منطقه رسیده

هفت مجلد تدوین یافته است. در سالهای اخیر، سه جلد از این اثر از زندگانی امام حسن بن علی (ع) تا خلافت المستنصر بالله فاطمی (۴۲۷-۴۸۷ / ۱۰۳۶-۱۰۹۴) که پس از فوتش فرقه اسماعیلی به دو شاخه مستعلویه و نزاریه منقسم گردید، به همت دانشمند اسماعیلی مصطفی غالب به طبع رسیده است. از این رو اکنون می‌توان قسمت مربوط به خلافت عبیدالله المهدی را به طور کامل در یکی از این مجلد‌های منتشر شده یافت^۶.

در آخرین مقاله بخش اول (ص ۱۴۶-۱۵۲)، استرن به شرح زندگی جعفر بن منصور الیمین، فرزند ابن حوشب (منصور الیمین) بنیانگذار دعوت اسماعیلی در یمن، می‌پردازد و اشعاری از وی درباره شکست قیام ابویزید خارجی نقل می‌کند. جعفر بن منصور الیمین در اوایل خلافت فاطمیان از یمن به افریقیه مهاجرت کرد و در آنجا به تدریج در تشکیلات دعوت به مقامات عالی رسید و سرانجام در خلافت المعزالدین الله به عنوان مهمترین داعی منزلتی خاص پیدا کرد. وی که صاحب کتب مهمی در زمینه عقاید اسماعیلی نیز بوده، شخصاً در بعضی از عملیات نظامی بر ضد قیام بزرگ خوارج به رهبری ابویزید بن مخلد بن کیداد، شرکت داشته است. این قیام که از مخاصمات قبیله‌ای بر برها و همچنین از تضادهای عقیدتی بین اسماعیلیان شیعی و خوارج در شمال افریقا مایه می‌گرفت از سال ۳۳۲ / ۹۴۳ آغاز شد و چیزی نمانده بود که به انقراض خلافت فاطمیان بینجامد، عاقبت در سال ۳۳۶ / ۹۴۷ به دست سومین خلیفه فاطمی المنصور بالله (۳۳۴-۳۴۱ / ۹۴۶-۹۵۳) سرکوب شد. جعفر بن منصور الیمین اشعاری در مدح پیروزیهای فاطمیان در مراحل مختلف این شورش سروده که بعضاً در این مقاله نقل شده است.

بخش دوم کتاب (ص ۱۵۵-۲۲۰)، که تقریباً نیمی از مجموعه است، شامل هفت مقاله اسماعیلی از استرن است که همگی بین سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۷۲ منتشر شده بود و اکنون در اینجا با صفحه‌بندی جدید و بعضی تصحیحات تجدید چاپ شده است. استرن که اولین مقاله اسماعیلی خود را در سال ۱۹۴۶ به موضوع هویت نویسندگان رسائل *اخوان الصفا* اختصاص داده بود، بیست سال بعد نیز دوباره به بررسی این موضوع پرداخت که نتیجه آن مقاله اول این بخش است (ص ۱۵۵-۱۷۶). مستشرق فرانسوی کازانووا (۱۸۶۱-۱۹۲۶) در سال ۱۸۹۸ ماهیت اسماعیلی

بود، موفق شد افرادی از طبقه حاکمه خراسان را به مذهب اسماعیلی درآورد. در زمان داعی بعدی، حسین بن مرورودی (مروزی) که خود از اشراف بود، مقر دعوت از نیشابور به مرورود انتقال یافت. جانشین حسین، یعنی همان داعی نسفی معروف، دعوت را در ماوراءالنهر بسط داد و با کسب نفوذ در دربار سامانیان در بخارا بالأخره شخص امیر نصر بن احمد سامانی و تعدادی از اطرافیان وی را به پیروان خود افزود. در قرون بعدی نهضت اسماعیلی همچنان در این سرزمینهای شرقی اسلام تداوم یافت تا اینکه در نیمه دوم قرن پنجم / یازدهم باقیمانده گروههای ایرانی اسماعیلیه تحت ریاست عبدالملک بن عطاش و سپس حسن صباح (متوفی ۵۱۸ / ۱۱۲۴) متحد شدند و یک نهضت جدید (نزاری) را در فرقه اسماعیلی بنیانگذاری کردند.

مقاله چهارم (ص ۲۳۴-۲۵۶) که اصل آن به صورت خطابه‌ای برای کنگره هزاره شهر قاهره تهیه شده بود، جامعترین توضیحات را به زبان انگلیسی درباره سازمان دعوت اسماعیلیان فاطمی در بر دارد. این مقاله مطالبی مانند منصب داعی الدعاة و مجالس درس او، شبکه داعیان فاطمی در داخل و خارج امپراطوری فاطمی و رابطه بین این شبکه و مرکز دعوت در قاهره را بر اساس معهود منابعی که در دسترس است، مورد بررسی قرار می‌دهد. برخلاف دعوت عباسی، دعوت فاطمیان پس از تأسیس خلافت آنها در سال ۳۲۲ / ۹۱۰ همچنان ادامه پیدا کرد، زیرا آنها همواره امیدوار بودند بتوانند حاکمیت خود را در سراسر جهان اسلام مستقر کنند. البته در سرزمینهای فاطمی، مذهب اسماعیلی مذهب رسمی دولت شناخته می‌شد و به‌طور علنی تبلیغ می‌گردید، حال آنکه در بلاد خارج از قلمرو آنها داعیان همچنان محرمانه به ترویج عقاید خود مشغول بودند. اسماعیلیان فاطمی، به‌خصوص از زمان خلافت الحاکم بامرالله (۳۸۶-۴۱۱ / ۹۹۶-۱۰۲۱)، سازمان پیچیده‌ای برای دعوت خود به‌وجود آوردند که متأسفانه اطلاعات دقیقی راجع به آن در دست نیست. در هر صورت، پس از شخص امام، ریاست عالی دعوت پاداعی-الدعاة بود که باب نیز خوانده می‌شد و معمولاً سمت قاضی القضاة را نیز در اختیار داشت، داعی الدعاة همچنین مسؤلیت انتخاب داعیان اصلی مناطق مختلف را به عهده داشت، و برای این منظور جهان اسلام به دوازده منطقه دعوت تقسیم شده

بود که هر یک «جزیره» خوانده می‌شد. هر جزیره تحت نظر کلی یک داعی یا حجت قرار داشت که به اتفاق داعیان مقیم در آنجا، که اقلأ در سه رده قرار داشته‌اند، به امور دعوت رسیدگی می‌کرد. پایین‌ترین مراتب در سلسله مراتب دعوت، یا حدود دین، عبارت بود از «مأذون» که به عنوان دستیار داعیان کم‌اهمیت عمل می‌کرد، و «مکاسر» که وظیفه اصلیش شناسایی و انتخاب افراد جدید برای دخول به دعوت بود. اسماعیلیان عادی نیز که در دعوت مقامی نداشتند، «مستجیب» خوانده می‌شدند. داعیان فاطمی، که اکثراً به چند زبان تکلم می‌کردند، در مدارس گوناگون، به‌خصوص در دارالحکمه قاهره که در سال ۳۹۵ / ۱۰۰۵ توسط الحاکم بامرالله تأسیس شده بود در مسجد الازهر، تدریجاً تعلیمات لازم را در رشته‌های کلام و فلسفه و سایر علوم باطنی و همچنین فقه اسماعیلی، فرا می‌گرفتند.

در مقاله پنجم (ص ۲۵۷-۲۸۸)، استرن برای اولین بار رابطه اسماعیلیان فاطمی زمان المعزالدین الله و اسماعیلیان افراطی و بدعتگذار سند و سایر مناطق شرقی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مأخذ اصلی استرن در این مقاله کتاب المجالس و المسایرات قاضی نعمان (متوفی ۳۶۳ / ۹۷۴)، بنیانگذار نظام فقه اسماعیلی است که اکنون به طبع رسیده است. این مقاله همچنین موضع المعز را در برابر کسانی که نسب علوی خلفای فاطمی را انکار می‌کرده‌اند، توضیح می‌دهد.

در مقاله ششم (ص ۲۸۹-۲۹۸)، استرن به‌طور خلاصه نظریات اصلی خود را درباره ظهور اسماعیلیه و رابطه اسماعیلیان با قرمطیان، که اکنون با تحقیقات پروفیسور مادلونگ تکمیل شده و مورد پذیرش اکثر متخصصان قرار گرفته است، اظهار می‌کند. استرن معتقد است که آن نهضت اسماعیلی که ناگهان در اواسط قرن دوم / نهم در بلاد مختلف اسلامی ظاهر گردید، مبتنی بر تشکیلات جدید و یک رهبری واحد و مخفی مرکزی بوده و ارتباط چندانی با گروههای شبه اسماعیلی اولیه که پس از رحلت امام جعفر صادق (ع) در سال ۱۴۸ / ۷۶۵ به‌وجود آمدند، نداشته است. وی همچنین نشان می‌دهد که نام «قرامطه» صرفاً از نامهای اسماعیلیه در طول اولین قرن تاریخ آن فرقه بوده و به گروه خاصی اطلاق نمی‌شده است؛ فقط پس از اصلاحات عقیدتی عبیدالله المهدی، رهبر مرکزی فرقه و خلیفه بعدی

اندرزهای غیر اخلاقی

رضا امیرحسینی

The Cynic's Lexicon (A Dictionary of Amoral Advice), Jonathon Green, RKP. 1984, 220p.

تألیف و گردآوری مجموعه‌هایی از پندها و اندرزها و ضرب‌المثلها و کلمات قصار در همه زبانهای زنده و فرهنگهای ریشه‌دار جهان سایقه دارد، و زبان فارسی نیز در این میان از زبانهای دیگر، لااقل در گذشته، عقب نبوده است. امروزه نیز در میان صدها فرهنگ و دایرة‌المعارف و کتابهای مرجعی که در رشته‌ها و موضوعات گوناگون تدوین می‌گردد تعداد این قبیل مجموعه‌ها کم نیست، و بخصوص در زبانهای اروپایی، از جمله انگلیسی، که دهها هزار عنوان جدید همه‌ساله منتشر می‌شود، تعدادی هم از این قبیل فرهنگها که به ضبط و جمع‌آوری پندها و کلمات قصار اختصاص دارد دیده می‌شود. هدف این قبیل کتابها در وهله اول حفظ سنتها و ارزشهای يك فرهنگ و انتقال آنها به نسلهای حاضر و آینده است. کلمات قصار و ضرب‌المثلها و پندها و اندرزهای کوتاه یکی از مؤثرترین راهها برای آموزش اصول معنوی و اخلاقی گذشته به نسلهای جوان است، و در عین حال حفظ و فراگیری آنها می‌تواند به غنی‌تر کردن زبان و فرهنگ شخصی و به اصطلاح ادب افراد جامعه کمک کند. در کنار این قبیل کتابها و مجموعه‌ها آنچه خلاف عادت و خارق‌اجماع است مجموعه‌هایی است که به‌ظاهر در جهت عکس این هدف گام برمی‌دارد و به‌جای این که خواننده را مستقیماً با اصول اخلاقی و آرمانهای يك جامعه آشنا سازد، کاستیها و کژیهای را که در رفتار مردم و اجتماع وجود دارد با زبانی گزنده توأم با طعن و هجو و هزل منعکس می‌سازد. نمونه این قبیل کتابها اثر جدیدی است که اخیراً به نام فرهنگ

فاطمی، در حوالی سال ۲۸۶ / ۸۹۹ بوده که عنوان قرامطه به معنی اخص کلمه در مورد اسماعیلیان بحرین و جنوب عراق به‌کار رفته است. اسماعیلیان قرامطی، که تا مدتها از همفکری اسماعیلیان ایران نیز برخوردار بودند، اصلاحات عبیدالله را نپذیرفتند و خلفای فاطمی را به امامت قبول نکردند. این اسماعیلیان افراطی و بدعتگذار، خاصه قرامطیان بحرین که دولت مقتدری نیز برای خود به‌وجود آورده بودند، همچنان به عقیده اصلی اسماعیلیان نخستین که منتظر ظهور محمدبن اسماعیل بودند، وفادار باقی ماندند و تداوم اِمامت را پس از وی نپذیرفتند. در آخرین مقاله بخش دوم (ص ۲۹۹-۳۲۰) استرن یکی دیگر از کتب ضد اسماعیلی را که توسط يك مؤلف زیدی، ابوالقاسم بُستی، در حدود سال ۱۰۱۰/۴۰۰ تألیف شده، تحلیل می‌کند و براساس آن مطالب مهمی را درباره اسماعیلیان نخستین عنوان می‌نماید. از این کتاب، که مین کشف اسرار الباطنیة نام دارد تاکنون فقط يك نسخه در یمن یافت شده که در کتابخانه امبروزیانا (Ambrosiana) در میلان محفوظ است. این مجموعه مقالات، که به قلم یکی از برجسته‌ترین اسلام‌شناسان و اسماعیلیه‌شناسان معاصر نوشته شده، حاوی بعضی از مهمترین نتایج تحقیقات جدید درباره سه قرن اول فرقه است و به همین سبب برای محققان این رشته که همواره با کمبود منابع معتبر و تحلیلی روبرو هستند، بسیار سودمند است.

- 1) Derek Latham and Helen W. Mitchell, "The Bibliography of S. M. Stern", *Journal of Semitic Studies*, 15 (1970), pp. 226-238.
 - 2) H. Halm, *Kosmologie und Heilslehre der frühen Ismā'īliya* (Wiesbaden, 1978).
 - ۳) ادريس عمادالدین، عيون الاخبار و فنون الآثار، تصحيح مصطفى غالب (بيروت، ۱۹۷۳-۷۹) جلد ۵، ص ۱۱-۱۵۷.
 - 4) Paul Casanova, "Notice sur un manuscrit de la secte des Assassins" *Journal Asiatique*, 9 série, 11 (1898), pp. 151-159.
 - ۵) س. م. استرن، «اولین ظهور اسماعیلیه در ایران، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۹ (۱۳۴۰) ص ۱-۱۳.
 - ۶) ابوحنیفه النعمان بن محمد، کتاب المجالس والمسایرات، تصحيح الحبيب الفقی و ابراهیم شیوخ و محمد البعلاوی (تونس، ۱۹۷۸).
 - ۷) به‌خصوص رجوع کنید به:
- W. Madelung, "Das Imamatum in der frühen ismailitischen Lehre", *Der Islam*, 37 (1961), pp. 43-135.